



فصلنامه علوم محیطی، دوره شانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۷

۶۵-۸۲

مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست‌محیطی در ایران: ضرورت‌ها و چالش‌ها

امین حاجی‌وند^{۱*}، علیرضا میرکمالی^۱، فرشید صفری^۲ و امید سروی سرمیدانی^۱

^۱ گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

^۲ گروه آلاینده‌های محیط زیست، پژوهشکده علوم محیطی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۲/۲۹

حاجی‌وند، ا.، ع. میرکمالی، ف. صفری و ا. سروی سرمیدانی. ۱۳۹۷. مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست‌محیطی در ایران: ضرورت‌ها و چالش‌ها. فصلنامه علوم محیطی. ۱۶ (۲): ۶۵-۸۲.

سابقه و هدف: بررسی سوابق تحقیقی در مورد مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست‌محیطی در ایران به‌خوبی آشکار می‌کند که شناخت مسئولیت کیفری برای دولت به‌عنوان بارزترین و مهم‌ترین شخص حقوقی یکی از دغدغه‌های نظام عدالت کیفری بوده و عدم شناسایی مسئولیت کیفری برای دولت به‌عنوان یکی از معضلات نظام‌های حقوقی است. اگر چه قانون‌گذار در تبصره ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری برای دولت را شناسایی نکرده اما درباره مبانی ضروری جرم‌انگاری جرایم دولتی در حوزه جرایم زیست‌محیطی هیچ نظریه‌پردازی صورت نگرفته است. هدف نگارندگان، شناسایی و معرفی ادله ضرورت جرم‌انگاری و احراز مسئولیت کیفری برای دولت در جرایم زیست‌محیطی است.

مواد و روش‌ها: در این تحقیق با روش تحلیلی، توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، به تحلیل و بررسی ادله ضرورت شناسایی مسئولیت کیفری برای دولت، جرایم دولتی در حوزه زیست‌محیطی و چالش‌های موجود در زمینه مسئولیت کیفری دولت پرداخته و راهکارهای مناسب ارائه شده است.

نتایج و بحث: شناسایی مسئولیت کیفری برای دولت در جرایم زیست‌محیطی، از اهمیت فراوانی در کشورها برخوردار است، چراکه در کشورهای وابسته به صنعت نفت و گاز و آلودگی‌هایی که در این حوزه‌ها اتفاق می‌افتد توسط بخش دولتی است. بنابراین شناسایی مسئولیت کیفری برای دولت می‌تواند گام مثبتی در جهت حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط زیست باشد.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه دولت مهم‌ترین شخص حقوقی است و آلوده کردن محیط زیست از سوی دولت باعث تضعیف حاکمیت می‌شود، بنابر ادله عقلی و قانونی موجود از جمله قانون مدیریت خدمات کشوری ۱۳۸۶ که در بند ط ماده ۸ این قانون، حفظ محیط زیست از موارد اعمال حاکمیتی است، اصل مساوات و برابری همگان در برابر قانون اساسی ایجاب می‌کند که دولت نیز دارای مسئولیت کیفری باشد البته با مجازات‌های بازدارنده مناسب برای دولت که باعث تضعیف حاکمیت و خلل در امر حاکمیت نشود.

واژه‌های کلیدی: مسئولیت کیفری، دولت، آلودگی آب، آلودگی هوا، جرم زیست‌محیطی.

مقدمه

امروزه، حفظ محیط زیست و جلوگیری از تخریب و آلوده کردن آن، یکی از وظایف اساسی و مهم دولت است زیرا دولت، با اخذ مشروعیت از شهروندان خویش، باید در جهت حفظ و بقای حاکمیت و ارزش‌ها و باورهای مردم خویش گام بردارد که یکی از مهم‌ترین این ارزش‌ها حفظ محیط زیست به‌عنوان میراث مشترک بشری است و مهم‌ترین باور تمامی مردم این مهم است که محیط زیست به‌عنوان زیستگاه بشری، ودیعه‌ای است در اختیار نسل‌های فعلی که باید با کمترین تخریب و آلودگی، به‌عنوان میراث نسل‌های بعدی در اختیار آیندگان قرار گیرد. بدیهی است حفظ محیط زیست، امری دوسویه است که شهروندان در یک سو، باید از تخریب و آلودگی پرهیز کنند و در سوی دیگر، این وظیفه دولت تلقی می‌شود. به یقین می‌توان گفت نقش دولت در این مهم برجسته‌تر است، زیرا دولت به نمایندگی از مردم خویش، قوه قهریه را در اختیار دارد و می‌تواند از تخریب و آلودگی محیط زیست جلوگیری کند، در حالی که یک شهروند دارای این امکان نیست. از سوی دیگر، دولت باید به اقتصاد سبز روی آورد، تعبیر و مفهوم نوینی که در بند ۸ سیاست‌های کلی محیط زیست، ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری، به ضرورت گسترش آن اشاره شده است. دولت به‌عنوان مهم‌ترین شخص حقوقی، هم باید شهروندان خویش را در تخریب و آلودگی محیط زیست محدود کند و هم با محدودسازی مدیران دولتی در زمینه‌های ایجاد و گسترش آلودگی و تخریب منتسب به دولت، گام مثبتی در جهت حفاظت از میراث مشترک بشری بردارد. امروزه می‌توان از اساسی‌سازی حق بر محیط زیست سالم نیز گفت زیرا در قوانین اساسی بیش از ۱۱۰ کشور، دولت‌ها متعهد به تضمین محیط زیست سالم برای شهروندان هستند (Mashhadi, 2013). اساسی‌سازی یکی از رهیافت‌های نوین در جهت حمایت از حقوق مسلم و اساسی شهروندان در برابر حکومت است.

در اقتصاد سبز و محیط‌زیست‌محور، استدلال می‌شود که دولت و شرکت‌های دولتی از جمله عمده‌ترین عوامل آلاینده و مخرب محیط زیست به شمار می‌روند (Gholampoor, 2007). امروزه، دولت باید به این رویکرد اعتقاد داشته باشد که حفظ امنیت ملی، در گرو امنیت زیست‌محیطی است. امنیت محیط زیست، به مفهوم وجود شرایطی است که امنیت نسبی مطلوبی را در برابر خطرهای و تهدیدهای زیست‌محیطی فراهم سازد (ZareMahdavi and Danesh Nari, 2016). از دیرباز، بحث مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به‌عنوان یکی از مباحث چالش‌برانگیز مطرح بوده به‌طوری که یکی از ابتکارات قانون‌گذار قانون‌گذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به رسمیت شناختن مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی است. اگرچه قانون‌گذار گام مثبتی در این راستا برداشته است اما به نظر می‌رسد خالی از اشکال هم نیست، زیرا در تبصره ماده ۲۰ قانون فوق‌الذکر، دولت را به‌عنوان مهم‌ترین شخص حقوقی در موارد اعمال حاکمیت فاقد مسئولیت کیفری دانسته است. البته، مسئولیت کیفری دولت هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین‌المللی، یکی از موضوعات چالش‌برانگیز بوده است به‌طوری که در عرصه بین‌المللی، کمیسیون حقوق بین‌المللی، با توجه به گرایش جدید در حقوق بین‌المللی عمومی و پس از بررسی‌های مفصل در این زمینه، سرانجام به موجب طرحی که در سال ۱۹۷۶ میلادی به تصویب اکثریت اعضای کمیسیون رسید در اصل مفهوم جرم دولت را می‌پذیرد (Najafi Abrand Abadi, 1990). شاید بتوان گفت یکی از دغدغه‌های فکری مارک آنسل نیز که در کتاب «دفاع اجتماعی» خود بیان داشته، بزهکاری دولتی در جرایم زیست‌محیطی است که با زیر پا گذاشتن حقوق اولیه و اساسی اشخاص متجلی می‌شود و با کمال تعجب تاکنون از هر طور مجازات مصون مانده است (Ansel, 2012). منظور از اصطلاح دولت، که برخی از

به قوانین آب‌وهوا اختصاص داده و اثرات آب‌وهوای پاک و مضرات آب‌وهوای ناپاک را در فصول مختلف این کتاب به خوبی شرح داده است.^۱ از آنجا که بحث مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست‌محیطی به‌ویژه در آلودگی هوا در حقوق ایران با چالش‌های جدی و اساسی مواجه است. از این رو، در این نوشتار، ابتدا مفاهیم کلیدی بررسی می‌شود و در گام دوم، حوزه‌های مداخله دولت در آلودگی هوا و آلودگی آب مشخص و سپس ادله ضرورت شناسایی مسئولیت کیفری دولت مورد شناسایی قرار می‌گیرد و در گام آخر نیز چالش‌ها و راهکارهای مناسب بررسی می‌شود.

مفهوم شناسایی

جرم زیست‌محیطی

جرم زیست‌محیطی یا جرم-بوم به هر فعل یا ترک فعلی اطلاق می‌شود که دارای ارتباط مستقیم با ملاحظات زیست‌محیطی باشد (White, 2016). در قوانین و مقررات ایران، جرم زیست‌محیطی گاهی به شکل عام و در مواردی به‌طوری خاص مورد توجه واقع شده است. از جمله مواردی که جرم زیست‌محیطی در معنای عام مورد توجه قرار گرفته ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است. صرف نظر از تبیین عام جرم زیست‌محیطی، موارد خاص متعددی نیز وجود دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از جرم آلودگی آب که در بند ۳ ماده آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب (مصوب ۱۳۷۳) تعریف شده است و دیگری جرم آلودگی هوا که در قانون هوای پاک مصوب ۲۵ تیر ماه ۱۳۹۶، بند اول ماده ۱ تعریف شده است.

عنصر قانونی جرم زیست‌محیطی در حقوق ایران، قوانین و مقرراتی هستند که در آنها فعل یا ترک فعل موجب ایراد صدمه و آسیب به محیط زیست مشخص شده است و برای مرتکب یا مرتکبان نیز حسب مورد مجازات تعیین شده است (Ghasemi, 2012).

مولفان آن را دولت-کشور تعبیر کرده‌اند، جامعه سیاسی و متشکلی است که در آن، هم قدرت سیاسی و هم سرزمین و هم جمعیت یافته می‌شود و کلیتی را متصور می‌سازد که جهان امروز ما به این نوع واحدها تقسیم شده است که درون آن هم مفهوم حکومت و هم مفهوم ملت است و شامل قوه‌ای حاکم بر کشور اعم از قوه مقننه، مجریه و قضائیه می‌شود (Farajollahi, 2009). در این پژوهش منظور از دولت، قوه مجریه است زیرا با توجه به اصل تفکیک قوا به یقین می‌توان گفت تنها قوه‌ای که در حوزه آلودگی‌های زیست‌محیطی از آلودگی‌های کارخانه‌های وابسته به وزارت‌خانه‌های دولتی گرفته تا استخراج نفت می‌تواند نقش‌آفرین باشد قوه مجریه است.

مواد و روش‌ها

در این تحقیق با روش تحلیلی، توصیفی و با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای، به تحلیل و بررسی ادله ضرورت شناسایی مسئولیت کیفری برای دولت، جرایم دولتی در حوزه زیست‌محیطی و چالش‌های موجود در زمینه مسئولیت کیفری دولت پرداخته و راهکارهای مناسب ارائه شده است. در این مقاله، با استفاده از کتاب‌ها و مقاله‌های مختلف سعی شده است تا تحقیقی میان‌رشته‌ای بین حقوق محیط زیست و حقوق کیفری صورت پذیرد و با تحلیل وضع موجود و بیان ضرورت‌ها درباره مسئولیت کیفری دولت در قبال جرایم زیست‌محیطی، به ارائه راهکارهایی مناسب در این زمینه بپردازیم.

نتایج و بحث

یکی از مهم‌ترین جرایم زیست‌محیطی دولت که نقش عمده‌ای در ارتکاب آن دارد، آلودگی هوا و آب است. حق بر هوای پاک، یکی از حق‌های مطرح در زیرمجموعه مفهوم حق محیط زیست سالم است به‌طوری که منتسکیو نیز در کتاب مشهور روح‌القوانین خود، کتاب چهاردهم را

آلودگی محیط زیست

حقوق دانان و صاحب نظران محیط زیست، آلودگی های محیط زیست را به طور عام تعریف کرده اند. آلودگی محیط زیست عبارت است از هر تغییر در ویژگی های اجزای متشکله محیط به طوری که استفاده پیشین از آنها ناممکن شود و به طور مستقیم یا غیرمستقیم، منافع حیاتی موجودات زنده را به خطر اندازد (Dabiri, 1996). علاوه بر این تعریف فنی که در علم محیط زیست ارائه شده است، به تعریف قانونی آن نیز می پردازیم. نخستین تعریفی که از آلودگی های محیط زیست در حقوق ایران شده، تعریفی است که در قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ آمده است. همین تعریف با تغییرات بسیار اندک در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ نیز ذکر شده است. تعریف مزبور چنین می گوید: «منظور از آلودگی محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب و هوا و خاک به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیکی آن به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد». آلودگی محیط زیست دارای حوزه ها و اشکال گوناگونی است، مانند آلودگی آب، هوا، صوتی، شیمیایی، هسته ای، حرارتی و ... اما در این میان آلودگی آب و آلودگی هوا از اهمیت ویژه ای برخوردار است و نقش دولت در ایجاد و گسترش این دسته از آلودگی ها ملموس تر است، از این رو به بررسی هر یک از این آلودگی ها می پردازیم.

آلودگی آب

آلودگی آب یکی از مهم ترین آلودگی های محیط زیست است، به طوری که یک محقق فرانسوی در سفر اکتشافی موسوم به آر-۲، در یادداشت های خود چنین نوشته است: «میزان آلودگی آب تعجب آور است. آلودگی وحشتناک است. امواج دریاها هر شب روی بدنه کشتی، داغی به اندازه یک کف دست به جا می گذارد ...»

(Ghasemi, 2012). ژاک-ایو کوستو نیز گفته است: «آلودگی آب است که سرچشمه آلودگی هاست. آلودگی آب است که در هوا منتشر می شود، در زمین نشست می کند و سرانجام با آلودگی اقیانوس ها، جهان را به باتلاق گند آلودگی تبدیل می کند...» (Ghasemi, 2012). در بند ۳ ماده ۱ آیین نامه جلوگیری از آلودگی آب، مصوب ۱۳۷۳ در تعریف آلودگی آب چنین آمده است: «تغییر مواد محلول یا معلق یا تغییر درجه حرارت و دیگر خواص فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیکی آب در حدی که آن را برای مصرفی که برای آن مقرر است، مضر یا غیرمفید سازد.»

آلودگی هوا

آلودگی هوا در ضوابط و مقررات داخلی و بین المللی بیشتر از سایر موارد آلودگی محیط زیست، مورد توجه قرار گرفته است، به طوری که امروزه در رنگ آمیزی مشکلات زیست محیطی از آلودگی هوا تحت عنوان مشکل قهوه ای رنگ تعبیر شده است زیرا مشکلات قهوه ای معمولا بر اساس زندگی و آلودگی شهری تعریف می شوند (White, 2005). در یک تعریف فنی آلودگی هوا عبارت است از حضور مواد نامطلوب در هوا به مقداری که بتواند اثرات مضر ایجاد کند. اگرچه در حالت عادی، تنها به اثرات سوء آن بر انسان توجه می شود (De nevers, 2001). در یک تعریف جامع هم می توان گفت: «آلودگی هوا عبارت است از وجود و پخش هر نوع ترکیبات اعم از گاز، جامد، مایع و یا مخلوطی از آنها در هوا که بسته به منشاء تولید، ماهیت، غلظت و مدت زمان حضور در هوا، به صورت مستقیم سلامتی و بهداشت انسان را به خطر انداخته، به جانوران و گیاهان و سایر عناصر محیط زیست آسیب رساند و به طور کلی رفاه و آسایش عمومی و تعادل طبیعی محیط زیست را مختل کند (Mashhadi, 2013). درباره تعریف آلودگی هوا در حقوق ایران، بند ۲ ماده آیین نامه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۵۴، نخستین تعریف

«انحراف سازمان‌یافته دولت که متضمن نقض حقوق بشر است» (Haveman, 2017). شاید علت اینکه در این تعریف یا سایر تعاریف موجود، جرم دولتی را انحراف می‌خوانند این است که دولت خود مسئول نظام جرم‌انگاری است و رفتارهای ناشایست خود را جرم‌انگاری نمی‌کند، از این رو در تعاریف حقوق‌دانان نیز انحراف خوانده شده است. منظور ما از جرایم دولتی در حوزه محیط زیست، جرایمی هستند که عمدتاً از سوی دولت ارتکاب می‌یابند و ارتکاب این دسته از جرایم در حوزه آلودگی آب و هوا مشهود است که به بررسی این موارد می‌پردازیم.

آلودگی‌های ناشی از صنعت نفت و گاز

آلودگی‌های زیست‌محیطی در صنعت نفت و گاز، انواع گسترده‌ای از جمله آلودگی آب، خاک، هوا و به‌ویژه نسل جدید بزه‌های زیست‌محیطی یعنی آلودگی صوتی را در بر می‌گیرد. اثرات مخرب پروژه‌های نفت و گاز بر محیط زیست از شروع فعالیت‌های اکتشاف آغاز می‌شود و حداقل زمین و دریا را آلوده می‌کند. آب‌های زیرزمینی را ناسالم می‌کند و با سوزاندن گازها، هوا را آلوده می‌کند. حمل‌ونقل نفت و گاز نیز می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری به محیط‌زیست وارد کند. نشت نفت و گاز از لوله‌های فرسوده و تصادف‌ها مقادیری از نفت و گاز را وارد آب، زمین یا هوا می‌کند. مصرف نفت و گاز نیز به آلودگی هوا، تولید باران‌های اسیدی و تغییر آب و هوا می‌انجامد (Shiri, 2016). مطابق ماده ۷ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶، تکلیف جلوگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی از جمله آلودگی هوا بر عهده وزارت نفت نهاده شد. مطابق این ماده: «وزارت نفت مکلف است که در جریان عملیات نفتی، ضمن برنامه‌ریزی صحیح نظارت و مراقبت کامل برای صیانت از ذخایر نفتی و حفاظت از منابع و ثروت طبیعی و تاسیسات و جلوگیری از آلودگی محیط زیست (هوا، آب، خاک) را با هماهنگی سازمان‌های ذیربط به

از آلودگی هوا را ارائه کرد که به نظر می‌رسد از عبارات ماده ۹ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست اقتباس شده بود. مطابق این ماده، آلودگی هوا عبارت است از «وجود یک یا چند آلوده‌کننده در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوری که مضر به حال انسان و یا سایر موجودات زنده یا گیاهان و آثار و ابنیه باشد تغییر دهد». با تصویب قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴، آلودگی هوا با دقت بیشتری تعریف و مصادیق آن نیز توسعه یافت. ماده ۲ قانون مربوطه مقرر می‌داشت: «منظور از آلودگی هوا عبارت است از وجود و پخش یک یا چند آلوده‌کننده اعم از جامد، مایع، گاز، تشعشع پرتوزا و غیرپرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوری که زیان‌آور برای انسان و یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار ابنیه باشد، تغییر دهد». در حال حاضر، به موجب ماده ۳۴ قانون هوای پاک مصوب ۲۵ تیر ماه ۱۳۹۶ قوانین یادشده نسخ صریح شده‌اند. به موجب بند ۱ ماده ۱ قانون هوای پاک، «آلودگی هوا عبارت است از انتشار یک یا چند آلاینده از آلاینده‌های جامد، مایع، گاز، پرتوهای یون‌ساز و غیریون‌ساز، بو و صدا در هوای آزاد، به صورت طبیعی یا انسان‌ساخت، به مقدار و مدتی که کیفیت هوا را طوری تغییر دهد که برای سلامت انسان و موجودات زنده، فرآیندهای بوم‌شناختی (اکولوژیکی) یا آثار و ابنیه زیان‌آور بوده و یا سبب از بین رفتن یا کاهش سطح رفاه عمومی شود». همان‌طور که ملاحظه می‌شود، قانون‌گذار در قانون هوای پاک با آوردن قید «صدا در هوای آزاد» آلودگی صوتی را یکی از موارد آلودگی هوا دانسته است، همان‌طور که برخی از علمای محیط زیست نیز آلودگی صوتی را از اقسام آلودگی هوا می‌دانند زیرا صوت و بو نیز در نهایت باعث آلودگی هوا می‌شوند (Mckinney et al., 2003).

جرایم دولتی در حوزه آلودگی آب و هوا

جرم دولتی را برخی این‌طور تعریف کرده‌اند:

بودن کارخانه‌ها موجب اقتدار یا تضعیف حاکمیت نخواهد شد. در یک تحقیق که در آن از اطلاعات ۴۴ کشور در حال توسعه، طی سال‌های ۱۹۸۷ تا ۱۹۹۵ استفاده شده است و نتیجه این تحقیق حکایت از آن دارد که هر چه سهم بخش خصوصی در اقتصاد افزایش یابد تمایل به ملاحظات و قوانین زیست‌محیطی افزایش می‌یابد (Talukdar and Meisner, 2001).

شاید هم علت رعایت قوانین زیست‌محیطی از سوی بخش خصوصی این امر باشد که در قوانین کیفری کشورهای مختلف، مسئولیت کیفری دولت، مطلقاً مورد پذیرش قرار نگرفته است و مدیران بخش خصوصی به علت دارا بودن مسئولیت کیفری، سعی بیشتری در اجرای قوانین زیست‌محیطی خواهند داشت.

آلودگی‌های ناشی از تولید بنزین‌های بنزن‌دار

تحقیقات نشان داده است که سوخت نقش مهمی در میزان و نوع مواد منتشره از اگزوز خودروها دارد. سوخت‌های نامرغوب، به‌خاطر افزایش میزان تشکیل رسوبات، عملکرد موتورها را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند و سبب تغییر دبی و جریان هوای ورودی به محفظه احتراق موتور شده، فرآیند احتراق را دست‌خوش تحول کرده و انتشار مواد آلاینده و سمی را افزایش می‌دهند (Barkhodarioona, 2012). در دوره‌ای که دولت بنزین‌های بنزن‌دار پالایشگاه‌ها را در جامعه عرضه کرد، پژوهشی در همین راستا انجام شد و نشان داد که بنزین‌های برخی از پالایشگاه‌ها مطابق با استانداردها نبوده است.^۲ با تصویب ماده ۱۸ قانون هوای پاک ۱۳۹۶، وزارت نفت مکلف شده است حداکثر تا سه سال پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، سوخت تولیدی کشور از جمله بنزین، نفت، گاز و ... را مطابق استاندارد ملی مصوب عرضه کند. سازمان حفاظت از محیط زیست نیز مکلف است از تولید سوخت غیراستاندارد جلوگیری کند.

عمل آورد.» اما به یقین می‌توان گفت که این تعهد و تکلیف وزارت نفت به دلیل فقدان ضمانت اجرا نمی‌تواند کارآمد و موثر باشد. با وجود اینکه قانون اصلاح نفت در سال ۱۳۹۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید و ماده ۷ قانون فوق‌الذکر در قالب ماده ۴ اصلاح شد و یک هیأت عالی نظارت بر منابع نفتی پیش‌بینی شد که باید این هیأت گزارش سالانه‌ای تهیه و به مقام رهبری و مجلس شورای اسلامی بدهد (بند ۴ ماده ۴) و سیاست‌های راهبردی را ارزیابی کند (بند ۲ ماده ۴). اما به نظر می‌رسد باز هم با فقدان ضمانت اجرا مواجه هستیم. وجود یک ضمانت اجرای مناسب می‌تواند وزارت نفت را مکلف کند تا با نظارت بر پروژه‌های نفتی، در جهت پیش‌گیری وضعی از جرایم حوزه صنعت نفت و گاز گام موثری بردارد.

آلودگی‌های ناشی از کارخانه‌ها و گارگاه‌ها و

نیروگاه‌های دولتی

امروزه، کارخانه‌ها و کارگاه‌ها نیز سهم بسزایی در ایجاد و گسترش آلودگی‌های آب و هوا دارند. از این رو قانون گذار به موجب ماده ۱۲ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶، سازمان حفاظت محیط زیست را ملزم کرده است که تمامی مراکز و واحدهای صنعتی، تولیدی، خدماتی و ... را که آلودگی آنها بیش از حد مجاز است، مشخص کرده و به بالاترین مقام تصمیم‌گیر اعلام کند. امروزه دولتی بودن برخی از کارخانه‌ها باعث شده است دولت سهم عمده‌ای در آلوده کردن آب‌وهوا داشته باشد. به‌عنوان مثال برخی کارخانه‌های قند (وابسته به سازمان اتکا و زیرمجموعه وزارت دفاع) سهم عمده‌ای در آلودگی‌های زیست‌محیطی دارند که در فصل آخر این پژوهش با توضیح یک رأی به بررسی بیشتر این مسئله خواهیم پرداخت. از این رو در راستای اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی بهتر است که گامی به سوی خصوصی‌سازی در کارخانه‌ها برداشته شود زیرا خصوصی

این جرایم دولت نیز دارای مسئولیت کیفری شناخته شود و از آن مستثنی نشود.

خصیصه‌های مهم جرایم زیست‌محیطی

با توجه به ویژگی‌های مهم و حساس جرایم زیست‌محیطی به نظر می‌رسد که دولت در قبال ارتکاب این جرایم از لحاظ کیفری باید مسئول شناخته شود. این خصیصه‌ها عبارت‌اند از:

یکی از اشکال نوین بزهکاری است: دامنه

بزهکاری نوین بسیار گسترده است: خشونت، مواد مخدر، بزهکاری اقتصادی، ضرورت تضمین حمایتی جدید از انسان، چه در آن قسمت که مربوط به محیط زیست می‌شود و چه در آن بخش که به زندگی خصوصی و خلوت او ارتباط پیدا می‌کند و سرانجام، به برخی از جنبه‌هایی که می‌توان آن را «بزهکاری دولتی» نامید، با ظاهر قانونی یا غیرقانونی، که با زیر پا گذاشتن حقوق اولیه اساسی اشخاص از سوی دولت متجلی می‌شود و با کمال تعجب تاکنون از هر نوع مجازاتی مصون مانده است (Ansel, 2012).

در این جرایم، ضرر در سطوح مختلفی قابل

فرض است: در جرایم زیست‌محیطی، ایراد ضرر در سطوح مختلف محلی، ملی، منطقه‌ای، جهانی و فراملی قابل فرض است.^۳

بزه‌دیدگی در این جرایم نامحسوس‌تر است:

در مواردی که اقدامات انجام گرفته در طول چندین دهه موجب فرسایش تدریجی جنگل‌ها و محیط زیست طبیعی شده است، بزه‌دیده مستقیم وجود ندارد ولی در طول زمان، کل جمعیت یک منطقه و بلکه کل جهانیان از چنین اقداماتی متضرر می‌شوند. بزه‌دیده چنین جرایمی ممکن است نسل فعلی یا نسل‌های آتی یا هر دو باشند (Salimi, 2008).

بزهکاران این جرایم از حالت خطرناکی بالایی

برخوردار هستند: موضوع خطرناک بودن جرایم

ادله ضرورت شناسایی مسئولیت کیفری برای دولت

برای جرم‌انگاری درباره هر پدیده، وجود ادله کافی الزامی است. درباره جرایم زیست‌محیطی ادله ضرورت شناسایی مسئولیت کیفری را می‌توان به صورت ادله عقلی و قانونی تفکیک کرد که به شرح بیشتر این ادله می‌پردازیم.

ادله عقلی

در جرایم زیست‌محیطی که یکی از معضلات جهان معاصر است، بحث ادله عقلی برای پیش‌بینی مسئولیت کیفری دولت به عنوان مهم‌ترین آلاینده و مخرب زیست‌محیطی از اهمیت خاصی برخوردار است. تشخیص حسن و قبح و نفع و ضرر با قوه عقل و ادراک قابل سنجش است. درباره جرایم زیست‌محیطی ادله‌های عقلی مختلفی می‌تواند در جهت ضرورت شناسایی مسئولیت کیفری دولت کارساز باشد. زیرا از یک سو دولت به‌عنوان حاکمیت مطرح است و نباید تضعیفی در آن صورت گیرد تا بتواند به ارائه خدمات عمومی و اعمال حاکمیت بپردازد و از سوی دیگر نباید اعمال حاکمیت بهانه‌ای برای نقض حقوق مسلم و اساسی بشری باشد که از جمله مهم‌ترین این حقوق، حق بر محیط زیست سالم است و در قانون اساسی ایران نیز که به‌عنوان عالی‌ترین سند حقوقی کشور است مطرح شده است. ادله عقلی که می‌تواند ضرورت شناسایی مسئولیت کیفری دولت را برای ما نمایان کند عبارت‌اند از:

اصل ضرورت در جرم‌انگاری

یکی از مؤلفه‌های جرم‌انگاری، اصل ضرورت است. جرایم زیست‌محیطی امروزه بیشتر توسط دولت‌ها در حال ارتکاب است چرا که دولت‌ها به‌عنوان مهم‌ترین آلاینده و مخرب محیط زیست، به فکر کسب سود و منافع اقتصادی بیشتر هستند، از این‌رو ضرورت ایجاد می‌کند که درباره

دولت به‌عنوان مهم‌ترین آلاینده و مخرب

دیگر ادله عقلی برای ضرورت شناسایی مسئولیت کیفری این است که به عقیده بسیاری از جرم‌شناسان سبز و همچنین فعالان محیط زیست، دولت‌ها را باید از مرتکبان مهم و اصلی جرایم زیست‌محیطی به حساب آورد، زیرا دولت‌ها از یک سو نقش عمده‌ای در شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی مخرب و آلوده‌کننده محیط زیست بازی می‌کنند و از سوی دیگر مهم‌ترین ناظران این نوع فعالیت‌ها هستند که با در دست داشتن قوه قهریه می‌توانند از بسیاری از پیامدهای ناشی از آسیب‌ها جلوگیری کنند (White, 2016). اما زمانی که دولت خود اجازه صدور و نشر آلودگی‌های زیست‌محیطی را به سایر ارگان‌های دولتی دهد تبدیل به بزرگترین و مهم‌ترین مخرب‌ها و آلوده‌کنندگان زیست‌محیطی می‌شود.

اقتضای بایسته‌های حقوق کیفری محیط

زیست

یکی از بایسته‌های حقوق کیفری محیط زیست، لزوم حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط زیست به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین و اساسی است (Abdillahi, 2007). حمایت کیفری همه‌جانبه از محیط زیست زمانی صورت می‌پذیرد که با تمام مجرمان این حوزه برخوردی یکسان و شدت‌گرایانه صورت پذیرد. در این باره یکی از دانشمندان فرانسوی به نام آلفرد ون می‌نویسد: «به هنگام ورود به اجتماع، من قبول کرده‌ام که از قوانینی که خود من در وضع و تصویب آنها به‌عنوان شهروند دخالت داشته‌ام اطاعت نمایم. این منم که به‌عنوان قانون‌گذار، شخص خودم را به‌عنوان ناقض قانون تعقیب می‌کنم (Mohseni, 1996)».

ادله قانونی

قانون اساسی به‌عنوان عالی‌ترین سند حقوقی

عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور قانون اساسی است. قانون اساسی، تضمین‌کننده حقوق شهروندان هر

زیست‌محیطی، امروزه مورد توجه حقوق‌دانان قرار گرفته است. البته در باره جرایم زیست‌محیطی سازمان‌یافته بر وجود این ویژگی تاکید می‌شود. این بحث که امروزه درباره بزهکاران اقتصادی نیز صدق می‌کند در حوزه جرایم زیست‌محیطی بیشتر به چشم می‌خورد زیرا مجرمان زیست‌محیطی که با هدف کسب سود و منافع بیشتر در جهت آلودگی و تخریب محیط زیست اقدام می‌کنند، از حالت خطرناکی بیشتری برخوردارند.

خطرناکی یا حالت خطرناک، آن‌طور که در جرم‌شناسی تحقیقی مطرح است، لزوماً جنبه بالینی ندارد. افراد خطرناک از نظر بزه‌کاری، بیمار و آسیب‌دیده نیستند، بلکه به‌نوعی از نظر اجتماعی مسئول عمل خود انگاشته می‌شوند و باید آنان را با هدف تامین امنیت جامعه، تحت کنترل و نظارت قرار داد (Najafi, 2013). Abrandabadi, 2013. حالت خطرناکی درباره اشخاص حقوقی به‌ویژه دولت بیشتر به چشم می‌خورد، زیرا ابزارهای ارتکاب جرایم را در دسترس دارند و آثار و نتایج زیان‌بارتری را بر محیط زیست وارد می‌کنند و همچنین نوعی سازمان‌یافتگی در ارتکاب جرایم از سوی دولت مشاهده می‌شود که این نیز سبب افزایش خطرناکی در این دسته از مجرمان است.

مجرمان این دسته از جرایم، یقه‌سفید یا به

عبارت جرم‌شناسی سبز، یقه‌سبز هستند: امروز در جرم‌شناسی سبز که یکی از گرایش‌های جرم‌شناسی انتقادی است و از منظرگاه علم جرم‌شناسی به بزهکاری علیه محیط زیست می‌پردازد، این عقیده شکل گرفته است که باید بزهکاران زیست‌محیطی را بزهکاران یقه‌سبز (Green collar criminals) نامید، زیرا غالب مرتکبان جرایم زیست‌محیطی را همان بزهکاران یقه‌سفید موضوع علم جرم‌شناسی تشکیل می‌دهند. از این رو با توجه به موضوع جرایم ارتكابی باید این تعبیر را به بزهکاران این دسته از جرایم اطلاق کرد (Jafari, 2015 and Ahmadi).

که «پیش‌گیری و ممانعت از انتشار انواع آلودگی‌های غیرمجاز و جرم‌انگاری تخریب محیط زیست و مجازات مؤثر و بازدارنده آلوده‌کنندگان و تخریب‌کنندگان محیط زیست و الزام آنان به جبران خسارت» یا در بند ۸ آن به گسترش اقتصاد سبز اشاره شده است. به نظر می‌رسد که برای جلوگیری از گسترش ارتکاب جرایم زیست‌محیطی از سوی دولت باید اعتقاد به مسئولیت کیفری دولت داشت، چراکه مهم‌ترین مرتکب این جرایم دولت است. دولت که به موجب بند ۸ مجری اقتصاد سبز شناخته شده است، اگر خود مرتکب جرم زیست‌محیطی شود در واقع به اقتصاد مخرب زیست‌محیطی که نقطه مقابل اقتصاد سبز است روی آورده و عمده هدف دولت در ارتکاب جرایم زیست‌محیطی کسب سود و منافع اقتصادی بیشتر است.

قوانین عادی

یکی از امور حاکمیتی در بند ط ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ حفظ محیط زیست است. بنابراین جرم زیست‌محیطی نه از موارد اعمال حاکمیت است و نه از موارد تصدی‌گری بلکه وظیفه دولت جلوگیری از فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن است که مغایر با حق برخورداری از محیط زیست سالم است. بی‌تردید اعمال حاکمیت دولت نادر و انگشت‌شمار است، زیرا عمل حاکمیتی باید در درجه اول منطبق با قانون اساسی باشد. یکی از مولفه‌های حکمرانی مطلوب، حاکمیت قانون است. در پرتو حاکمیت قانون، حق‌ها مورد ضمانت قرار می‌گیرند (Khosravi, 2016). یکی از حق‌هایی که دولت در ایجاد آن تاثیر نداشته، حق بر محیط‌زیست سالم است چرا که دولت این حق را ایجاد نکرده بلکه فقط در جهت شناسایی این حق گام برداشته است. هر حقی برای حمایت و تضمین نیازمند ضمانت اجرای مناسب است. اگر ضمانت اجراها فقط جنبه مدنی و جبران خسارت داشته باشند تضمین کافی نخواهد بود چراکه مسئولیت کیفری زمانی لازم و ضروری است که در

کشور است و اصل بر این است که هیچ قانونی نباید با قانون اساسی مغایر باشد. اهمیت حفاظت از محیط زیست از نظر مجلس خبرگان قانون اساسی ایران به قدری زیاد بوده که اصل ۵۰ قانون اساسی به اتفاق آراء و بدون هیچ مخالفتی به تصویب این مجلس رسیده است (Bagheri, 2013).

در اصل فوق‌الذکر کلیه فعالیت‌های اقتصادی مغایر با محیط زیست سالم ممنوع اعلام شده است. از طرف دیگر سازمان حفاظت محیط زیست که سازمانی دولتی است یک هدف برای خودش برشمرده که آن تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی است. حتی این سازمان در مقدمه مرام‌نامه خود، قبل از اعلام اصول مرام‌نامه اشاره کرده که «... تهدیداتی که ریشه در تمایلات منفی درونی، فزون‌خواهی و برتری‌جویی بشر دارند هر یک به‌تنهایی می‌توانند آینده دشوار و تاریکی برای جوامع انسانی رقم بزنند...» می‌توان گفت مهم‌ترین تهدیدات زیست‌محیطی از جانب دولت‌ها است چرا که دولت در ارتکاب جرایم زیست‌محیطی منافع اقتصادی را در نظر می‌گیرد و مرتکب این دسته از جرایم می‌شود و از آنجا که امکانات گسترده‌ای در اختیار دارد، به‌صورت گسترده‌ای به محیط زیست آسیب می‌رساند. می‌توان گفت قانونی که در راستای این اصل تصویب می‌شود باید تمامی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی را مورد شمول قرار دهد، در غیر این‌صورت مغایر قانون اساسی است، به‌ویژه اینکه در قانون اساسی ایران به برابری همگان در برابر قانون (اصل بیستم) اهمیت مضاعفی داده شده است.

اسناد بالادستی و سیاست‌های کلی محیط

زیست، ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب

بر اساس سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری برای نخستین بار در حوزه محیط‌زیست یک سند فرابخشی ارائه و ابلاغ شده که مقام مجری این سیاست‌ها دولت است. در بند ۴ این سیاست کلی مقرر شده است

قانون گذار ایرانی در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به نحو مستقل از اشخاص حقیقی به رسمیت شناخته و در ماده ۲۰ همان قانون، ضمانت اجرای مختلفی را در مورد جرایم اشخاص حقوقی پیش‌بینی کرده است. اما در تبصره این ماده، اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی را در مقام اعمال حاکمیت از شمول ضمانت اجرای ماده ۲۰ مستثنی کرده است. هرچند پیش‌بینی مفاد این تبصره در مقام برطرف کردن دغدغه قانون گذار در تداوم اعمال دولتی و حاکمیتی به نظر می‌رسد (Pourbagherani & Hemati, 2016) اما از آنجا که دولت مهم‌ترین مخرب و آلوده‌کننده زیست‌محیطی است و عملاً در جهت کسب سود و منافع اقتصادی، حق برخورداری از محیط زیست سالم را نقض می‌کند، ضروری است تا دولت را به‌عنوان برجسته‌ترین شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری بدانیم. ضمناً در ماده ۲۰ قانون یادشده گفته شده که شخص حقوقی بزهکار با توجه به شدت جرم و نتایج زیان‌بار آن به ضمانت‌اجراهایی که ذکرشده محکوم می‌شود. اما مشاهده می‌شود که با وضع تبصره این ماده، قانون گذار عملاً از اعمال مجازات نسبت به دولت در جرایم زیست‌محیطی که هم از شدت بالایی برخوردار است و نتایج زیان‌بار غیرقابل‌جبرانی دارد، چشم‌پوشی کرده است.

امروزه با زیر سوال رفتن زیرساخت مشروعیت دولت‌ها و به رسمیت شناخته شدن آرای ملت به‌عنوان تنها عامل مشروعیت دولت‌ها، خواه ناخواه، مسئول اعمال مستقیم و غیرمستقیم خود هستند. و این مسئولیت‌ها به جنبه‌های مدنی، کیفری، سیاسی و اداری هم توسعه یافته است (Mousazadeh, 2012). هرچند قرن بیستم قرن مصونیت دولت‌ها بوده است، در حالی که قرن بیست و یکم قرن مسئولیت و مواخذه دولت‌ها است زیرا قدرت مصونیت نمی‌آورد. ۴ در ماده ۸ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، امور حاکمیتی تعریف شده و

مقابل سوءاستفاده‌ها قرار گیرد. بنابراین باید در شناسایی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی، مسئولیت کیفری برای دولت به‌عنوان مهم‌ترین و بارزترین شخص حقوقی در نظر گرفته شود و در دولت سبز و حق‌محور هیچ بهانه‌ای مانند منفعت عمومی، مصلحت نظام و مانند اینها قابل قبول نیست (Nikkhah et al., 2016).

چالش‌های قانونی فراروی مسئولیت کیفری دولت و راهکارها

بررسی قوانین داخلی کشورها و اسناد و مقررات منطقه‌ای و بین‌المللی نشان می‌دهد که در حال حاضر محیط زیست به یکی از ارزش‌های برتر جوامع انسانی تبدیل شده است. این ویژگی، قواعد حافظ ارزش‌های زیست‌محیطی را شایسته حمایت کیفری می‌کند (Abdollahi, 2007). حقوق کیفری به‌عنوان آخرین راه‌حل، زمانی وارد عرصه می‌شود که بنیادی‌ترین ارزش‌ها و حقوق اساسی اشخاص نقض شود. از آنجا که برخورداری از محیط زیست سالم به‌عنوان یکی از حقوق بنیادین و اساسی مطرح است از این رو مستحق حمایت کیفری همه‌جانبه است. عمده جرایم زیست‌محیطی توسط دولت‌ها و شرکت‌های قدرتمند ارتکاب می‌یابند. حمایت کیفری همه‌جانبه زمانی انجام می‌شود که دولت نیز دارای مسئولیت کیفری باشد.

در خصوص مسئولیت کیفری دولت در جرایم زیست‌محیطی، چالش‌های متعددی وجود دارد که باعث مصون ماندن دولت از تعقیب می‌شود. به‌ویژه این که دولت حسابگر خوبی است و با در نظر گرفتن هزینه‌ها و سودهای ناشی از ارتکاب جرم به این جرایم روی می‌آورد. در ذیل به بیان مهم‌ترین چالش‌های موجود و ارائه راهکارها پرداخته می‌شود.

عدم شناسایی مسئولیت کیفری در قبال اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی

که در قرار منع تعقیب به آن اشاره شد این بود که کارخانه یک شخصیت حقوقی است و مدیریت کارخانه از سوی مقامات قانونی تعیین شده و حدود اختیاراتش نیز مشخص است و از سوی دیگر، توقف فعالیت کارخانه لطمات شدید اقتصادی در بر خواهد داشت و رفع آلودگی نیز با امکانات موجود مقدور نیست. به این دلیل لازم است ریاست سازمان با جلب نظر کارشناسان فنی راه‌حل قضیه را اعلام کند تا اقدام مقتضی به عمل آید و ...

در پاسخ به این تصمیم دادسرا، سازمان حفاظت محیط زیست نامه‌ای بدین شرح برای دادستان عمومی میاندوآب فرستاد: «... این سازمان در اجرای وظایف خود ناگزیر از تبعیت از مصوبات قانونی است و اصل مسئولیت جزایی و حقوقی مدیران موسسات دارای شخصیت حقوقی نیز در ارتکاب جرم یا شبه‌جرم به هر حال باقی است ...» سازمان محیط زیست در پاسخ به قرار صادره به درستی یادآوری می‌کند که «اصل پنجاهم قانون اساسی رسالت عظیمی را برای حفظ محیط زیست خاطر نشان کرده و هر نوع فعالیت اقتصادی را که با آلودگی و تخریب محیط زیست ملازمه پیدا کند صراحتاً ممنوع کرده است ... در این اصل سخن حقیقی یا حقوقی بودن بخش خصوصی و دولتی به میان نیامده و اجرای قانون برای همه یکسان است. از طرف دیگر آیا زمانی که بازپرس محترم از مسائل اقتصادی بحث می‌کند، ائتلاف پنج میلیون ماهی آن هم در شرایطی که کشور از خارج ماهی وارد می‌کند... و طبق مصوبه ۸۵ مورخ ۱۳۶۱/۶/۲۱ شورای عالی حفاظت محیط زیست بهای هر عدد ماهی یک هزار ریال تعیین شده، خسارت وارده در ارتباط با پنج میلیون ماهی که پانصد میلیون تومان است، ثروت هنگفت این ملت نیست ... علاوه بر آن کارخانه مذکور با تخلیه فاضلاب خود به رودخانه که در کنار یک شهر دویست هزار نفری واقع شده و چندین روستا در مسیر آن قرار گرفته‌اند، سبب انواع و اقسام امراض ناشی از آلودگی خواهد شد. این مسئله‌ای نیست که از کنار آن با سکوت غیرمسئولانه بگذریم ...

مصادیقی از آن به صورت تمثیلی ذکر شده است. از موارد اعمال حاکمیتی در بند ط ماده ۸ «حفظ محیط زیست و حفاظت از منابع طبیعی و میراث فرهنگی» است. بنابراین آلوده کردن و تخریب محیط زیست نه از امور حاکمیتی است و نه از امور تصدی‌گری بلکه دولت که قوه قهریه را در اختیار دارد وظیفه دارد که با مخربان مقابله کند نه اینکه خود تبدیل به مهم‌ترین آلاینده و مخرب زیست‌محیطی شود.

چنانچه دولت یک جرم زیست‌محیطی مثل آلودگی هوا را مرتکب شود و این‌طور اظهار شود که آلودگی هوا یکی از مضرات فعالیت‌های کارخانه بوده اما اشتغال چندین هزار کارگر در آن کارخانه در راستای منافع عمومی است، این استدلال مردود است، زیرا به موجب اصل ۵۰ قانون اساسی ایران، کلیه فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا با تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است. اصل مساوات از اصول مسلم قانون اساسی است و نمی‌توان از آن به بهانه حفظ ارزش‌های اساسی یا به دلیل تفاوت وضعیت اشخاصی که موضوع قانون قرار می‌گیرند، چشم‌پوشی کرد. در این جا لازم است ذکر و شرح یکی از آراء قضایی که مربوط است به کارخانه قند میاندوآب وابسته به سازمان اتکا که خود سازمان اتکا از زیرمجموعه‌های وزارت دفاع است، پرداخته شود.

موضوع مربوط می‌شد به آلوده سازی آب رودخانه زرینه‌رود به مواد شیمیایی که حاصل تخلیه فاضلاب کارخانه قند میاندوآب وابسته به سازمان اتکا بود و بر اثر آن بیش از پنج میلیون ماهی تلف شد. در پی این حادثه اداره کل محیط زیست استان آذربایجان غربی علیه مدیریت کارخانه مذکور اعلام جرم و به استناد بند «ج» ماده ۱۲ قانون صید و شکار، تعقیب مسئول آلودگی را تقاضا کرد؛ ولی دادسرا با توجه به اظهارات مدیریت کارخانه مبنی بر اینکه برای رفع آلودگی تلاش می‌کند و غیره اقدام به صدور قرار منع تعقیب کرد. از جمله دلایلی

میان‌دوآب صادر می‌کند. این حکم در شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور (دادنامه شماره ۳۷۷-۶۵) نیز تایید شد (Taghizadeh Ansari, 2016).

بی‌تردید در جرایم زیست‌محیطی، حاکمیت کلی دولت قادر نیست عدم مسئولیت وی را در مورد فعالیت‌ها و اعمالی که واقعاً اعمال حاکمیت نیستند، توجیه کند. چطور می‌توان توجیه کرد که آلودگی یک کارخانه غیردولتی که موجب آلودگی آب یا هوا و در کل موجب آلودگی‌های محیط زیستی می‌شود، مسئولیت کیفری این کارخانه مدیران آن را برانگیزد، ولی وجود یک کارخانه دولتی که آلودگی آب یا هوای شهر را موجب می‌شود، باعث مسئولیت کیفری دولت نشود؟ اگر اصل مساوات همگان در برابر قانون و دستگاه عدالت کیفری، از اصول مسلم و لازم است آیا این موارد از نمونه‌های بارز عدم رعایت اصل نیست؟ دلیل مشخصی که معمولاً برای توجیه استثنای دولت از تعقیب و مجازات ذکر می‌شود این است که دولت دارای حق انحصاری مجازات کردن است، چطور ممکن است خود را مجازات کند؟ به نظر می‌رسد این توجیه استواری نیست چراکه مثلاً اگر شورای دولتی یا شورای پاسداری از قانون اساسی، که از ارگان‌های دولت هستند، دستور عمل یا بخش‌نامه یا قانون را غیرقانونی یا مخالف و مغایر با قانون اساسی اعلام می‌کند، آیا این تصمیمات که محدودیت‌هایی برای دولت ایجاد می‌کند، خود را مجازات کردن نیست؟ در واقع از خصایص دولت است که خود را محدود کند. این استدلال که دولت دارای قدرت مجازات کردن است و نمی‌تواند خود را مجازات کند مردود است، زیرا ضمانت اجرای کیفری به گفته مارک آنسل، به خودی خود برای دارندگان حق مجازات، حق خاصی ایجاد نمی‌کند، بلکه هدف مجازات عبرت‌آموزی یا اصلاح مجرم یا دفاع از جامعه است (Farajollahi, 2009). از آنجا که قوه مجریه در حوزه‌های مربوط به ایجاد و گسترش آلودگی نقش دارد، می‌توان در رد این نظر که دولت دارای حق انحصاری مجازات کردن

پیامد صدور چنین قراری این خواهد بود که مسئولان کارخانه با اتکا و استناد به این نقطه‌نظر که کارخانه دولتی است هیچ اقدام لازمی را در جهت رفع آلودگی و جلوگیری از انهدام منابع آبریزان به عمل نیاورده، مراتب را به مرکز منعکس نکند ... کارخانه قند چه حقیقی باشد چه حقوقی، چه دولتی باشد چه خصوصی مسئول ضرر و زیان وارده به منابع طبیعی مملکت است. بنابراین درج این جمله از طرف بازرس که به لحاظ عدم تحقق بزه اتلاف ماهیان و شخصیت حقوقی بودن کارخانه قند که از ارگان‌های وابسته به دولت است، قرار منع تعقیب صادر می‌شود، صحیح نیست؛ حال آنکه در این باره قاعده اتلاف و تسبیب آمریت دارند و نه اثرات ناشی از ارتکاب بزه...». متعاقب این پاسخ، سازمان با توجه به منطق و مفهوم ماده ۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست که سازمان را موظف کرده است از هر نوع اقدام مخربی در مورد بر هم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست و همچنین کلیه امور مربوط به جانوران وحشی و آبریزان آب‌های داخلی جلوگیری کند، به قرار منع پیگرد اعتراض کرده، رسیدگی مجدد و اعلام نتیجه به این مرجع را تقاضا می‌کند (اعتراض به قرار صادره بازپرسی شعبه ۱۳۶۵/۵/۲۶).

سازمان در دادخواستی که به دادگاه عمومی شهرستان میان‌دوآب می‌دهد به قرار صادر شده اعتراض و از باب ضرر و زیان، محکوم کردن خواننده به پرداخت خسارات وارد (پانصد میلیون تومان) در حق سازمان محیط زیست را تقاضا می‌کند.

دادگاه حقوقی یک میان‌دوآب پس از رسیدگی، آن قسمت از دادخواست را که مربوط به تقاضای محکومیت رئیس کارخانه قند است با استناد به این که فرد مسئول مستقیم آلودگی نبوده و اینکه این آلودگی ناشی از بی‌احتیاطی و تقصیر فرد مذکور نیست، بلکه متوجه کارخانه است، رد کرد؛ اما نسبت به اصل ضرر و زیان، حکم به نفع سازمان محیط زیست و علیه کارخانه قند

معنایی جز جیب به جیب کردن پول دولت ندارد. انحلال نیز با فلسفه استمرار حاکمیت دولت مغایر است (Sharifi et al., 2013). البته برخی از حقوق‌دانان (Ibid)، درباره پرداخت جزای نقدی از سوی دولت معتقد به این نیستند که دولت از خزانه پول را برداشته و سپس واریز می‌کند بلکه دولت، هنگامی که جریمه‌ای را پرداخت می‌کند، در قالب یک شخص ظهور پیدا می‌کند و تعهداتی یا الزاماتی را در سطح ملی یا بین‌المللی می‌پذیرد.

تعطیلی موقت یا دائم مثلاً یک واحد یا کارخانه یا مؤسسه دولتی آلوده‌کننده و مخرب محیط زیست ضروری و مناسب است. در این باره که این مجازات باعث بیکار شدن کارگران و تحدید حاکمیت می‌شود نیز باید گفت، اگر دولت به‌عنوان خاطی ملزم به ایجاد اشتغال جایگزین شود، مشکل رفع می‌شود و تحدید حاکمیت نیز درباره ارتکاب جرایمی که صریحاً به موجب قانون اساسی در مغایرت با حق برخورداری از محیط زیست سالم ممنوع اعلام شده است ضروری است، چراکه حق بر محیط زیست سالم یکی از حق‌های محدودکننده حتی برای دولت است. اعمال یکی دیگر از ضمانت‌اجراه‌های مطرح‌شده در ماده ۲۰، انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها نیز درباره دولت مناسب به نظر می‌رسد زیرا در کشور حکم محکومیت دولت در رسانه‌ها اثرات زیادی بر دیدگاه و آرای مردم می‌گذارد و دولت سعی می‌کند که مرتکب جرایم زیست‌محیطی نشود. حتی می‌توان تعلیق مراقبتی همراه با شرط اصلاح را در نظر گرفت که دارای هدف بازدارندگی نیز هست. باری، در صورت استفاده از ضمانت‌اجراه‌های متناسب با اشخاص حقوقی عمومی، نه تنها قدرت عمومی تحقیر نخواهد شد بلکه به سبب رعایت اصل برابری همگان در برابر قانون و افزایش اعتماد مردم به حاکمیت، مقبولیت قدرت عمومی در جامعه بیشتر هم خواهد شد (Mohammadi and Khanizadeh, 2013).

به‌عنوان ضمانت اجرای اداری-کیفری مؤثر دیگر، می‌توان به تغییر یا بازسازی ساختار مدیریتی یا

است گفت که منظور از دولت در جرایم زیست‌محیطی آن قوه‌ای است که در حوزه‌های مربوط به آلودگی تاثیرگذار است و این قوه مجریه است که در حوزه‌های مختلف جرایم زیست‌محیطی می‌تواند نقش مثبت و یا نقش منفی بازی کند. از این رو دادگاهی که دولت را تحت تعقیب قرار می‌دهد تابع قوه قضائیه است و این در واقع یکی از آثار بارز اصل تفکیک قوا است، زیرا اگر یک قوه حاکم بر امور باشد هم خود قانون‌گذار خواهد بود هم مجری و هم مجازات‌کننده و این خلاف اصل تفکیک قوا است. ایده‌ای که در اصل تفکیک قوا دنبال می‌شود عبارت است از اینکه قوا مستقل هستند، پس هر قوه‌ای در قبال تخلفات و جرایم ارتكابی باید پاسخگو باشد.

خلاً ضمانت اجرایی

کلارکسون می‌گوید: «جامعه‌ای که برای آزادی، ارزش و احترام قائل است از حقوق جزا فقط در موارد کاملاً ضروری و به‌عنوان آخرین راه‌حل کمک می‌گیرد» (Clarkson, 1987).

در مقایسه با دیگر رشته‌های حقوق، حقوق محیط زیست شعبه نسبتاً جدیدی است که عمدتاً در ۳۰ سال اخیر تکامل یافته است (Taghizadeh Ansari, 2016). بنابراین، این رشته هنوز در مرحله هنجاری قرار دارد. یکی از چالش‌های بسیار جدی که قانون مجازات اسلامی در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با آن مواجه است عبارت است از اینکه ضمانت‌اجراه‌های مختلف پیش‌بینی‌شده درباره دولت نمی‌تواند مناسب باشد. همین امر باعث شده است که برخی حقوق‌دانان اعتقاد به عدم مجازات دولت داشته باشند. اما به نظر می‌رسد که نباید به خاطر اینکه مجازات‌های پیش‌بینی‌شده در ماده فوق‌الذکر مناسب نیست از پذیرش مسئولیت کیفری برای دولت صرف‌نظر کنیم. مجازات جزای نقدی برای دولت بیهوده است زیرا در عمل مبلغی از خزانه عمومی کسر شده و مجدداً به آن واریز می‌شود که این اقدام بیهوده،

مقام معظم رهبری، قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶، عدالت زیست‌محیطی ایجاب می‌کند شناسایی مسئولیت کیفری دولت ضروری دانسته شود. در این راستا هرچند قانون گذار در ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به نحو مستقل از اشخاص حقیقی به رسمیت شناخته و در ماده ۲۰ ضمانت اجرای مختلفی در مورد اشخاص حقوقی پیش‌بینی کرده است اما در تبصره آن، اشخاص حقوقی دولتی و عمومی غیردولتی را از شمول ماده مستثنی دانسته است. به نظر می‌رسد در پهنه سیاست کیفری ایران در قبال جرایم زیست‌محیطی با چالش‌های متعددی در خصوص مسئولیت کیفری دولت مواجه هستیم. نبود ضمانت اجرای کیفری مناسب نباید باعث تردید در قبح اعمال مجرمانه زیست‌محیطی شود. ما نباید عدالت را قربانی مصلحت کنیم. چنانچه دولت به‌عنوان مهم‌ترین و بارزترین شخص حقوقی است و اگر یک جرم زیست‌محیطی مرتکب شود در واقع قصد مجرمانه داشته است و طبق هیچ اصول و ضوابطی، توجیه‌پذیر نیست که اقدام یک شخص در آلوده کردن و یا تخریب محیط زیست، مجرمانه باشد اما اقدام دولت از روی خیر و منافع عمومی تلقی شود. اقدامات هر دولتی تا آنجا مشروعیت دارد که در راستای منافع عمومی و منطبق با قانون اساسی باشد. از آنجا که در اصل ۵۰ قانون اساسی، کلیه فعالیت‌های مخرب و آلوده‌کننده محیط زیست ممنوع اعلام شده و در برخی اصول قانون اساسی به مساوات و برابری همگان در برابر قانون اشاره شده است، بنابراین مسئولیت کیفری دولت نیز امری ضروری است. در عصر کنونی، قدرت مصونیت نمی‌آورد بلکه قدرت وسیله‌ای است برای خدمات‌رسانی و حرکت در جهت منافع عمومی. از آنجا که بحث مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مطرح شده است به نظر می‌رسد توجه به پیشنهاد‌های زیر

سهامداری شرکت‌های دولتی یا عمومی غیردولتی مخرب محیط زیست نیز اشاره کرد. همچنین علاوه بر رعایت استانداردهای اجباری الزام به رعایت استانداردهای تشویقی-اختیاری حوزه محیط زیست برای متخلفان، انجام بازرسی‌ها و ممیزی‌های دوره‌ای مستمر و متوالی توسط ارگان‌های نظارتی، تغییر مسئولان فنی این کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، الزام به رعایت ضوابط سختگیرانه در تمدید مجوزهای بهره‌برداری و ساخت محصول برای بنگاه‌های آلاینده، تحمیل و دریافت عوارض آلاینده‌گی مضاعف برای بنگاه‌های آلاینده و غیره از جمله این ضمانت اجراها به شمار می‌روند.

امروزه یکی از رژیم‌های قانونی داخلی موجود (ایالات متحده آمریکا) به شهروندان برای اعتراض به تصمیمات نهایی حکومت که با اعمال مقررات هوای پاک اتخاذ شده‌اند صلاحیت گسترده‌ای اعطاء می‌کند. این قانون در صورتی که حکومت از انجام وظایف غیرقابل تبعیض ناشی از مقررات آلودگی هوا قصور کرده باشد به شهروندان حق اقامه دعوی در محاکم را نیز اعطا می‌کند. همچنین به شهروندان حق مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌سازی حکومت را از طریق نقد و اخطار اعطا می‌کند (Moradi, 2014). که از آن تحت عنوان دموکراسی محیط‌زیستی یاد می‌شود که همان رویکرد مشارکتی در پاسخ به آسیب‌های زیست‌محیطی است (Mahdavi and Alinejad, 2016).

نتیجه‌گیری

ارتکاب جرایم زیست‌محیطی آسیب‌های شدید و غیرقابل‌جبرانی به حیات بشری وارد می‌کند. امروزه با عنایت به نتایج زیان‌بار و بزه‌دیدگان گسترده این جرایم و توجه به این نکته که دولت خود مهم‌ترین مرتکب جرایم زیست‌محیطی است و بنا بر سایر ادله عقلی و ادله قانونی موجود در نظام قانون گذاری ایران از جمله قانون اساسی، سیاست‌های کلی محیط زیست ابلاغی از سوی

ساختار مدیریتی یا سهام‌داری شرکت‌های دولتی یا عمومی غیردولتی مخرب محیط زیست نیز اشاره کرد. همچنین علاوه بر رعایت استانداردهای اجباری الزام به رعایت استانداردهای تشویقی-اختیاری حوزه محیط زیست برای متخلفان، انجام بازرسی‌ها و ممیزی‌های دوره‌ای مستمر و متوالی توسط ارگان‌های نظارتی، تغییر مسئولان فنی این کارخانه‌ها و کارگاه‌ها، الزام به رعایت ضوابط سختگیرانه در تمدید مجوزهای بهره‌برداری و ساخت محصول برای بنگاه‌های آلاینده، تحمیل و دریافت عوارض آلاینده‌گی مضاعف برای بنگاه‌های آلاینده و غیره از جمله این ضمانت اجراها به شمار می‌روند.

پی‌نوشت‌ها

^۱ منتسکیو در کتاب روح‌القوانین خود مباحثی مهم و ضروری برای حفاظت از آب‌وهوا بیان می‌دارد که در نظر وی قوانین راجع به مجرمان آلوده‌کننده محیط زیست باید از لحاظ شدت و قطعیت از بازدارندگی کافی برخوردار باشد، دقیقاً همان مولفه‌هایی که جناب سزار بکاریا در کتاب رساله جرایم و مجازات‌های خویش مطرح کرده است. البته منتسکیو اعتقاد بر این دارد که زمانی می‌توان از آلودگی محیط زیست جلوگیری کرد که نقش دولت را در این حوزه‌ها به‌طور کامل محدود کرد. در واقع منتسکیو به این باور پایبند است که اگر دولت در حوزه‌های محیط زیست فقط نقش پیش‌گیرانه داشته باشد بهتر است چرا که با حضور دولت در عرصه محیط زیست امکان ارتکاب جرایم دولتی میسر می‌شود. بنگرید به منتسکیو، روح‌القوانین، ترجمه علی‌اکبر مجتهدی، تهران، نشر اقبال، ۱۳۳۹، صص. ۳۸۸ تا ۴۰۵

^۲ برای مطالعه بیشتر در این زمینه نک. سیفی، معصومه و همکاران، همایش ملی زیست‌بوم پایدار، اراک، ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۳
^۳ برای مطالعه بیشتر در این مورد نک. وایت، راب، ۱۳۹۵، جرایم زیست‌محیطی فراملی، ترجمه حمیدرضا دانش نازی، بنیاد حقوقی میزان، ص ۵۰ به بعد

^۴ برای مطالعه بیشتر نک. شاملو، باقر، ۱۳۹۱، تقریرات درس تاریخ تحولات حقوق کیفری، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ص ۳۷

می‌تواند در کاهش چالش‌های فرا روی سیاست‌های کیفری ایران نقش‌آفرین باشد:

یکم: شناسایی مسئولیت کیفری برای دولت حداقل در جرایم زیست‌محیطی ضروری است، زیرا هم ادله عقلی و هم ادله قانونی ایجاب می‌کند.

دوم: به نظر می‌رسد اختصاص چند ماده برای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات کفایت نکند، بلکه لازم است فصلی مجزا از این قانون به موضوع اختصاص یابد یا قانون جداگانه‌ای تصویب شود تا خلأهای موجود نیز مرتفع شود.

سوم: ضمانت اجراهای ناظر بر اشخاص حقوقی به‌صورت کلی بیان شده و بهتر است صرفاً به بیان مجازات پرداخته نشود بلکه متناسب با جرایم، ضمانت اجراها تفکیک شود. درباره ضمانت اجراهای کیفری که بتوان در مورد دولت آنها را پیشنهاد داد عبارت‌اند از: تعطیلی موقت یا دائم مثلاً یک واحد یا کارخانه یا مؤسسه دولتی آلوده‌کننده و مخرب محیط زیست، ضروری و مناسب است. در این باره که این مجازات باعث بیکار شدن کارگران و تحدید حاکمیت می‌شود نیز باید گفت، اگر دولت به عنوان خاطی ملزم به ایجاد اشتغال جایگزین شود، مشکل رفع می‌شود. اعمال یکی دیگر از ضمانت اجراهای مطروحه در ماده ۲۰، انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها نیز برای دولت مناسب به نظر می‌رسد، زیرا در کشور حکم محکومیت دولت در رسانه اثرات زیادی بر دیدگاه و آرای مردم می‌گذارد و دولت سعی می‌کند مرتکب جرایم زیست‌محیطی نشود. حتی می‌توان تعلیق مراقبتی همراه با شرط اصلاح را در نظر گرفت که دارای هدف بازدارندگی نیز هست. به‌عنوان ضمانت اجرای اداری-کیفری مؤثر دیگر، می‌توان به تغییر یا بازسازی

منابع

Abdollahi, M., 2007. The criminal protection of environment: A reflection on the requirement of the criminal environmental law. Environmental

Science. 5(1), 97-117.

Ansel, M., 2012. Social Defense. Najafi Abrand

- Abadi, A.H. and Ashouri, M. (Eds.), Ganje Danesh Publication, Tehran, Iran.
- Barkhodarioona, A., 2012. Fuel engine tests and their role in assessing the quality of gasoline and diesel fuel, Farayandno. 39, 67-79.
- Bagheri Zarien, H., 2016. Environmental Criminal Warranties in the Legal System of Iran and United Kingdom, Khorsandi Publication, Tehra, Iran.
- Clarkson, C.M.V., 1987. Understanding Criminal Law, Fontana Press, USA.
- Dabiri, M., 1996. Environmental Pollution. Ettehad Publication, Tehran, Iran.
- De nevers, N., 2001. Air Pollution Control Engineering, Torkian, Ayoub, K, Nematpour, University of Industry and Mines of Iran Publication, Tehran.
- Farajollahi, R., 2009. Criminal Responsibility of Legal Persons In French Law, Mizan Publication, Tehran, Iran.
- Gholampoor, A., 2007. Impact of globalization of the political Economy of the Environmental In Developing Contries, Politic Quarterly, Faculty of Low and Political Sciences of Tehran University, 4, 125-152.
- Ghasemi, N., 2012. A Comparative Study on Environmental Criminal Law (Iran and international), Khorsandi Publication, Tehran, Iran.
- Haveman, R., 2018. Criminology In state of Denial-Towards a Criminology of International Crimes: In Paknahad, A. (Eds.), Supranational Criminology, Mizan Publication, Tehran, Iran.
- Jafari, A. and Ahmadi, A., 2015. populism In the Field of Environmental Penal policy. Bioethics Journal(Quarterly). 15, 71-99.
- Khosravi, H., 2016. Right to a Safe Environmental In the Light of Good Governance, Bioethics Journal(Quarterly). 20, 127-144.
- Mohseni, M., 1996. Criminal Responsibility, ganje Danesh, Tehran.
- Mckinney, M.R., Schoche, L. and Yonavjak, A., 2003. Environmental Science Systems and Solution, Boston University. P. 803.
- Mashhadi, A., 2013. Raight of Healthy Environmental, Mizan publication, Tehran, Iran.
- Mousa Zadeh, A., 2012. Adminstrative Rights, Dadgostar Publication, Tehran.
- Mashhadi, A., 2013. Raight of Healthy Environmental, Mizan publication, Tehran, Iran.
- Moradi, H., 2014. International Environmental Law, Mizan Publication, Tehran, Iran.
- Mohammadi, G. and Khanizadeh, A.L., 2013. Criminal responsibility of government legal persons of internal. The SD Institute of Law(SDIL). 2, 69-84.
- Mahdavi, M. and Alinejad, A., 2016. Environment democracy: Participatory approach the respons to environmental damage. Criminal Law and Criminology Studies Quarterly. 3, 93-110.
- Najafi Abrand Abadi, A.H., 1990. Considerations about the international crime of government. International Law Review (semi-annual). 13, 265-346.
- Najafi Abrand Abadi, A.H., 2013. New Criminology, New Criminology, Income on Criminal Leadership Policy, Criminal Sciences Articles, Second Volume, Tehran, Mizan Publication, p. 724.

- Nikkhah, V., Vijeh, M.R. and Ramazani Ghavam Abadi, M.H. 2016. Analyzing of the Legal Relationship between the Government and the Environment In transition to green government, *Journal Environmental Science*, 14, 147-158.
- Pourbagherani, H. and Hemati, M., 2016. Criticism of Iran's Criminal political Against Environmental Crimes *Majlis & Rahbord (Scientific Research-Quarterly Journal)*, 87, 349-373.
- Salimi, S., 2008. White-collar Criminals and Irans Criminal Political, *Law and Political Science*, 38, 239-254.
- Sharifi, M., Habib Zadeh, M.J., Tafreshi, M.E. and Farajiha, M., 2013. Changes In Criminal Responsibility of Legal Persons In Iran, *The Judiciary Law Journal*, 82, 117-159
- Shiri, A., 2016. Oil and Gas Pollution Rights, *Mizan Publication*, Tehran.
- Talukdar, D. and Meisner, M., 2001. Does the Private Sector Help or Hurt the Environment? Evidence from Carbon Dioxide Pollution in Development, *Vol 29, No. 5, P: 727-840*.
- Taghizadeh Ansari, M. 2016. Environmental Right In Iran, *Samt Publication*, Sixth Edition, Tehran
- White, R., 2005. Environmental Crime In Global Context: Exploring The Theoretical and Empirical Complexities Current Issues In *Criminal Justice*, 16, 272-285
- White, R., 2016. International Environmental Crime (toward on eco-global criminology), *Danesh Nari, Hamid Reza, Mizan Publication*, Tehran
- White, R., 2016. Green Criminology, *Hamid Reza Gorjifard, Mizan Publication*, Tehran.
- Zare Mahdavi, G. and Danesh Nari, H.R., 2016. International Security and Environmental Crime, *Mizan publication*, Tehran.





Government criminal responsibility for environmental crimes in Iran: Necessities and challenges

Amin Hajivand,^{1*} Alireza Mirkamali,¹ Farshid Safari² and Omid Sarvai Sarmidani¹

¹ Department of Criminal law and Criminology, Faculty of law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

² Department of Environmental Pollutants Research, Environmental Sciences Research Institute, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: 2017.10.15

Accepted: 2018.05.19

Hajivand, A., Mirkamali, A., Safari, F. and Sarvai Sarmidani, O., 2018. Government criminal responsibility for environmental crimes in Iran: Necessities and challenges. *Environmental Sciences*. 16 (2), 65-82.

Introduction: A study of research evidence clearly reveals that the recognition of criminal responsibility for the state as the most prominent and most significant legal person is one of the concerns of the criminal justice system, and the lack of recognition of criminal liability for the state as one of the problems of legal systems. The mandates in the Note to section 20 (1) of the Islamic Penal Code (1392) did not identify criminal responsibility for the state, and no theorizing has been made regarding the grounds for criminalizing state actions in the field of environmental crimes. The aim of the authors is to identify and justify the necessity of criminalization of and assigning criminal liability to the Government in environmental crimes.

Materials and methods: In this research, analytical, descriptive and library sources are used to analyze the reasons for the necessity of identifying criminal responsibility for the state, state environmental crime, the existing challenges in the field of criminal responsibility of the state, and providing appropriate solutions have been taken.

Results and discussion: Identification of criminal liability for the Government in environmental crime is of great importance in all countries, especially in countries dependent on the oil and gas industry since the pollution occurring in these areas is often caused by the public sector. Therefore, identifying criminal liability for the state can be a positive step towards full environmental protection.

Conclusion: Given the fact that the Government is the most important legal person and that it pollutes the environment, this weakens the government as based on rationality and legal reasoning, including the Law on the Administration of Civil Services of 1386 where it is stipulated in section 8 of this law that the environment is protected from acts of sovereignty. Therefore, the principle of equal treatment and equality of all before the Constitution requires that the state also has criminal responsibility, of course with appropriate deterrents for the Government that would undermine the sovereignty and impediment of governance.

Keywords: Criminal responsibility, Government, Water pollution, Air pollution, Environmental crime.

* Corresponding Author. *E-mail Address:* A.Hajivand@mail.sbu.ac.ir